

زمان آینده در گویش‌های ابیانه‌ای و طره‌ای

محمد مهدی اسماعیلی (عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی)

چکیده: زمان دستوری یکی از مقولات یا مشخصه‌های تصریفی ذاتی فعل محسوب می‌شود. زبان‌ها از نظر تعداد زمان‌های دستوری‌ای که مشخص می‌کنند تفاوت دارند. اگرچه در بسیاری از زبان‌های دنیا سه زمان گذشته، حال و آینده وجود دارد، با این حال این تمایز سه‌شقی زمان جهانی نیست. برخی از زبان‌ها فقط دو زمان دستوری دارند، یعنی یا تمایز بین گذشته و غیرگذشته (حال و آینده) را نشان می‌دهند یا تمایز بین آینده و غیرآینده (گذشته و حال) را. مورد اول (تمایز گذشته و غیرگذشته) وضعیتی است که در اغلب زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو غربی، از جمله فارسی محاوره‌ای، وجود دارد. اکثر گویش‌های (فلات) مرکزی ایران نیز فقط تمایز زمان گذشته و غیرگذشته را دارند. با این حال در تعداد کمی از آنها زمان آینده وجود دارد و حتی در تعداد بسیار محدودتری از آنها (مثل ابیانه‌ای و طره‌ای) تمایزات جزئی‌تری مثل آینده نزدیک (با تصریف فعل) و آینده دور (با ترکیب فعل کمکی و فعل اصلی) نشان داده می‌شود. این مقاله ساخت‌های آینده در دو گویش مذکور را بررسی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: زمان دستوری، گویش‌های (فلات) مرکزی، آینده تصریفی و ترکیبی، پیشوند نمود کامل، فعل کمکی

۱. مقدمه

زمان دستوری^۱، در کنار نمود^۲ و وجه^۳، از مقوله‌ها یا مشخصه‌های تصریفی (دستوری) ذاتی^۴ فعل است که کمابیش در همه زبان‌های دارای تصریف یافت می‌شود.^۵ در صرف بسیاری از زبان‌های دنیا حداقل بین سه زمان دستوری گذشته، حال و آینده فرق گذاشته می‌شود. زبان‌هایی مثل سواحیلی [و نیز ترکی، انگلیسی و لاتینی] از این دسته‌اند (کاتامبا و استانهم ۲۰۰۶: ۲۳۸). ولی با این حال، تمایز سه‌شقی مذکور جهانی نیست و به همین دلیل در برخی از زبان‌ها فقط تقابل دوشقی زمان دیده می‌شود. گاه تقابل دوشقی، میان زمان گذشته با غیرگذشته^۶ (یعنی حال-آینده) است، مثل زبان ییدین^۷ و گاه تقابل دوشقی، میان زمان آینده با غیرآینده^۸ (یعنی گذشته-حال) است، مثل بسیاری از زبان‌های بومی آمریکا، استرالیا و پاپوایی^۹ گینه‌نو (همان‌جا). البته تمایز زمانی دوگانه اصلی، بین زمان غیرآینده (گذشته و حال) و آینده است، به آن دلیل که زمان گذشته و حال رویدادی را نشان می‌دهد که رخ داده یا در حال رخ دادن است، و به همین دلیل واقعی^{۱۰} محسوب می‌شود؛ و زمان آینده رویدادی را می‌نماید که هنوز به وقوع نپیوسته است، و به همین دلیل غیرواقعی^{۱۱} محسوب می‌شود (همان‌جا).

فارسی از این منظر وضعیتی دوگانه دارد. فارسی ادبی و نوشتاری از آنجایی که برای بیان آینده از صیغه‌های فعل کمکی «خواستن» در کنار مصدر مرخم/ ستاک گذشته فعل اصلی استفاده می‌کند (مانند خواهم رفت، خواهی رفت ...)، جزء زبان‌های دارای نظام

1) tense 2) aspect 3) mood 4) inherent inflectional categories/ features

(۵) چون از نظر معنایی این سه مقوله کاملاً از هم جدا نیستند و در بسیاری از زبان‌ها، توأمان با یک صورت مشترک و واحد نشان داده می‌شوند، به همین دلیل در بعضی منابع با ادغام مشخصه‌های مذکور فقط از یک مشخصه زمان-نمود-وجه (TAM) صحبت می‌شود (نک: هاسپلمت و سیمز ۲۰۱۰: ۸۵).

6) non-past

7) Yidijn/ Yidin

8) non-future

9) Papuan

10) real/ realis

11) unreal/ irrealis

زمان سه‌شقی است.^۱ ولی فارسی گفتاری فاقد این ساخت است و از حال اخباری (استمراری) در معنی آینده استفاده می‌کند و به این دلیل، جزء زبان‌های دارای تقابل دوشقی گذشته و غیرگذشته قرار می‌گیرد.^۲

به نظر می‌رسد که اغلب زبان‌ها یا گویش‌های ایرانی نو غربی، صرفاً بین زمان دستوری گذشته با غیرگذشته (حال-آینده) تمایز قائل می‌شوند و ساخت خاصی برای آینده ندارند و یا اگر دارند، این ساخت معمولاً ترکیبی^۳ (با استفاده از تکواژهای واژگانی) است و نه تصریفی (با استفاده از وندافزایی). به‌عنوان شاهد، از ۱۲ زبان بررسی شده توسط دبیرمقدم (۱۳۹۲) شامل بلوچی، دوانی، لارستانی، وفسی، کردی، اورامی، لکی، دلواری، نائینی، شهمیرزادی، تاتی و تالشی، فقط مورد آخر، یعنی تالشی، ساخت آینده دارد و در بقیه از حال اخباری (استمراری) در مفهوم آینده استفاده می‌شود. ویندفور (۱۳۸۳: ۴۲۵-۴۲۶) نیز در بحث پیرامون نظام فعلی زبان‌های ایرانی نو غربی عنوان کرده است که «آینده عموماً نشانه‌ای ندارد و با صورت‌های مطلق، استمراری و کامل (نقلی) بیان می‌شود. با این حال گویش‌های بسیاری، ساخت‌های وجهی را غالباً با فعل «خواستن، بایستن» به‌وجود آورده‌اند».

گویش‌های (فلات) مرکزی ایران نیز از این وضعیت مستثنی نیستند، به‌طوری‌که در سه زیرگروه از چهار زیرگروه اصلی آن، وضعیتی شبیه به فارسی گفتاری و دیگر زبان‌های ایرانی دیده می‌شود، یعنی از همان ساخت حال اخباری برای اشاره به آینده استفاده می‌شود، مانند گزی، سیدھی، جرقویه‌ای، ورزته‌ای و کلیمیان اصفهان از زیرگروه جنوب غربی؛ خوانساری^۴ و وانسانی از زیرگروه شمال غربی؛ نائینی، اردستانی و

(۱) غلامی (۱۳۸۹) از لحاظ رده‌شناختی زمان آینده را در فارسی براساس سه معیار ساختاری، رفتاری و بسامد کاربرد، نشان‌دارترین مورد به حساب آورده است، که با سلسله‌مراتب نشان‌داری گرینبرگ (۱۹۶۶: ۱۱-۳۳) مطابقت دارد.

(۲) البته غیر از دو شیوه مذکور، در فارسی گفتاری از روش‌های گوناگون دیگری نیز برای بیان مفهوم آینده استفاده می‌شود. در این باره، نک: غفارشمر و یزدان‌مهر (۱۳۹۱).

3) periphrastic

(۴) اشرفی خوانساری (۱۳۸۳: ۵۲-۵۴ و ۶۵-۶۶) ترکیب و توالی حال اخباری فعل «خواستن» و حال التزامی فعل اصلی را آینده تعبیر کرده و به همین دلیل به اشتباه برای خوانساری ساخت آینده قائل شده است، مثلاً جمله /emegu bavâžân/ «می‌خواهم بگویم» را به فارسی «خواهم گفت» ترجمه کرده است.

انارکی از زیرگروه جنوب شرقی. ولی در زیرگروه شمال شرقی یعنی گویش‌های منطقه نطنز و کاشان، که نسبت به سه زیرگروه دیگر تحول کمتری داشته و خصوصیات کهن‌تری را حفظ کرده است، ساخت آینده ترکیبی خاصی (با استفاده از فعل کمکی kam-/käm-/kem-/kom-/köm- بازمانده فعل *kāmistan* «کامستن» ایرانی میانه) دیده می‌شود. از جمله این گویش‌ها می‌توان به ایبانه‌ای، طره‌ای، گمجان، یارندی، هنجانی، و لوگردی، بیدندی و فریزندی (بخش مرکزی شهرستان نطنز)، بادرودی و ده‌آبادی (بخش امامزاده آقاعلی عباس شهرستان نطنز)، آرانی و بیدگلی، ابوزیدآبادی (بخش کویری شهرستان آران و بیدگل)، قهرودی و جوشقانی (بخش قمصر شهرستان کاشان)، میمه‌ای (شهرستان شاهین‌شهر و میمه) اشاره کرد (در این باره نیز نک: کرانکه ۱۹۷۶: ۲۳۳-۲۳۵؛ ویندفور ۱۹۹۲: ۲۵۰).

نکته قابل توجه این که در معدودی از گویش‌های مذکور حتی بیش از یک ساخت آینده وجود دارد. به‌عنوان نمونه در دو گویش ایبانه‌ای و طره‌ای دو ساخت آینده، یکی ترکیبی و دیگری تصریفی، دیده می‌شود. البته همان‌گونه که در ادامه مقاله توضیح داده خواهد شد، ساخت آینده تصریفی مورد اشاره، ناقص است به این معنی که همه صیغگان آن وجود ندارد.

این مقاله به توصیف و بررسی دو شیوه مختلف بیان آینده در دو گویش ایبانه‌ای و طره‌ای که از گویش‌های قدیمی و محافظه‌کارتر شهرستان نطنز (دهستان برز رود) هستند خواهد پرداخت. دو روستای ایبانه و طره که در گویش محلی به ترتیب */viyunä/* و */därä/* تلفظ می‌شوند، در فاصله حدوداً سه کیلومتری از همدیگر و در شمال غرب شهر نطنز واقع‌اند. گویش ایبانه‌ای در زبان اهالی */rossi/* و گاه */özun dah/* «زبان ده» نامیده می‌شود، ولی گویش طره‌ای صرفاً با صفت نسبی آن، یعنی */däräyi/* مشخص می‌شود.^۱

(۱) صفت نسبی ایبانه‌ای در گویش ایبانه‌ای */viyunj/* و در طره‌ای */viyunč/* است.

لازم به ذکر است که درباره ویژگی‌های صرفی و نحوی گویش طره‌ای تا پیش از این کاری انجام نگرفته است.^۱ منابع و آثار قابل اعتماد و اعتنا درباره دستور ایبانه‌ای نیز بسیار محدوداند. تنها اثر از این نوع که البته ایراداتی به آن نیز وارد است، لُکوک (۱۹۷۴) و (۲۰۰۲) است. لُکوک (۲۰۰۲) که صورت مفصل و کامل‌تر اثر قبلی (لُکوک ۱۹۷۴) است، علاوه بر ایبانه‌ای، هشت گویش مرکزی دیگر، یعنی ابوزیدآبادی، قُهرودی، طاری، انارکی، اردستانی، نایینی، ورزنه‌ای و بادرودی، را نیز شامل می‌شود. بقیه آثار^۲ غالباً کلیاتی را درباره دستور ایبانه‌ای (در مواردی با اشتباه)^۳ بیان کرده‌اند. به دلیل کمبودها و نقایص مورد اشاره، این مقاله سعی دارد توصیفی دقیق و جامع‌تر از ساخت آینده در این دو گویش مهم ایرانی ارائه دهد و به همین دلیل، اکثر مطالب و نکات مطرح‌شده در آن، در هیچ‌یک از آثار قبلی دیده نمی‌شود. مثال‌های گویشی ارائه‌شده در این مقاله برگرفته از داده‌هایی است که نگارنده در طی تحقیق سه چهار سال اخیر خود (۱۳۹۰-۱۳۹۳) درباره این دو گویش، عمدتاً در خود منطقه برزورد نطنز جمع‌آوری کرده است.^۴

(۱) تنها تحقیق انجام‌گرفته درباره طره‌ای مورد زیر است که صرفاً به بررسی جنبه‌ای از ویژگی‌های آوایی این گویش می‌پردازد: زارعی، زهره (۱۳۸۴) بررسی الگوهای تخصیص تکیه در گویش طره از دیدگاه واج‌شناسی عروضی (متریکال)، پایان‌نامه (چاپ‌نشده) گروه زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

(۲) از جمله این آثار: آهنی، محمدرضا (۱۳۷۳) بررسی گویش ایبانه از توابع نطنز، پایان‌نامه (چاپ‌نشده) گروه زبان‌شناسی همگانی دانشگاه تهران؛ امینی ایبانه، فرح (۱۳۷۳) بررسی برخی ویژگی‌های دستوری در گویش ایبانه، پایان‌نامه (چاپ‌نشده) گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی؛ اثر زیر که ظاهراً اولین تحقیق انجام‌شده درباره گویش ایبانه‌ای است موجود نیست: بلوکباشی، علی (۱۳۴۹) بررسی‌های لهجه ایبانه، پایان‌نامه (چاپ‌نشده) کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.

(۳) از جمله نقایص و ایرادات اساسی تمام آثار مربوط به ایبانه‌ای از جمله اثر لُکوک (۲۰۰۲)، عدم تشخیص یک واج پربسامد است که گاه باعث نتیجه‌گیری‌های اشتباهی شده است. ایبانه‌ای و نیز طره‌ای سه واکه واجی افتاده (یا تقریباً افتاده) دارند: /a/ افتاده پیشین غیرگرد (مشابه با فارسی)، /ɔ/ نیم‌افتاده پسین گرد و /ä/ افتاده پسین (تقریباً شبیه به [a] در فارسی) ولی کمی مرکزی‌شده و کاملاً غیرگرد. واکه آخر و وضعیت واجی آن در آثار قبلی تشخیص داده نشده و به همین دلیل، با دو واکه دیگر به کرات اشتباه گرفته شده است.

(۴) در جمع‌آوری داده‌ها، آقای علی‌اکبر علی‌اصغری (گویشور طره‌ای)، آقای محمدحسین ایبانه و خانم سلطنت شفیعی (گویشوران ایبانه‌ای) بیشترین و بهترین همکاری را داشتند که به این وسیله از این عزیزان صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

۲. بررسی ساخت‌های آینده

۱.۲. ساخت آینده تصریفی (آینده اخباری)

در این ساخت با استفاده از وندافزایی صورت‌های مختلف فعل اصلی شکل می‌گیرد. این ساخت دستوری را که با اضافه‌شدن پیشوند نمود کامل^۱ /ba-/ (معادل «ب-» فارسی) به ابتدای صیغه‌های حال اخباری (استمراری) شکل می‌گیرد، می‌توان آینده اخباری نامید. حال اخباری خود نیز از توالی پیشوند نمود ناقص یا مستمر^۲ (در ایبانه‌ای /e-/ و در طره‌ای /ä-/) + ستاک حال فعل اصلی + شناسه‌های فعلی به دست می‌آید. البته واکه پایانی پیشوند نمود کامل، به دلیل قرارگرفتن قبل از وند نمود ناقص، حذف می‌شود.^۳ وند نمود کامل /ba-/ به‌جز دو ساخت حال اخباری (استمراری) و گذشته استمراری که معرف نمود ناقص یا مستمراند، در تمامی دیگر ساخت‌های دو گویش مذکور، با هر زمان و وجهی به کار می‌رود و به همین دلیل، نقشی چندگانه دارد.^۴ به عبارت دیگر، این دو وند تصریفی (یعنی ba- و e-/ä-)، نه تنها در ایبانه‌ای و طره‌ای، بلکه در اغلب گویش‌های مرکزی ایران با یکدیگر هم‌نشینی ندارند. ولی ساخت آینده تصریفی فوق‌الذکر، تنها موردی است که در تصریف فعل در کنار هم قرار می‌گیرند.

در جدول ۱ تفاوت ساخت آینده اخباری فعل «رفتن» (با ستاک حال /š-/) با دو ساخت حال اخباری (استمراری) و حال التزامی نشان داده شده است. در مورد جدول ۱ ذکر این نکته لازم است که طره‌ای در صیغه سوم شخص مفرد (اختصاراً: ۳م) هر سه زمان گذشته، حال و آینده، تمایز جنس مذکر و مؤنث (اختصاراً: مؤ) را نشان می‌دهد. به این دلیل، خانه ۳م در جدول ۱، برای طره‌ای به معنای سوم شخص مفرد مذکر است. ایبانه‌ای تمایز جنس صیغه سوم شخص مفرد را صرفاً در زمان گذشته نشان می‌دهد.

1) perfective prefix

2) imperfective/durative prefix

3) *ba-e-> be- (ایبانه‌ای), *ba-ä-> bä- (طره‌ای)

(۴) با وجود نقش وجه‌نمایی پیشوند ba- در حال التزامی و امری، در این مقاله برای آسانی تحلیل، صرفاً وند نمود کامل (اختصاراً: کامل) نامیده می‌شود. در آثار غیرفارسی از جمله لُکوک (۲۰۰۲)، به آن پیشوند «لحظه‌ای» *punctual* (انگلیسی)، *ponctuel* (فرانسوی) هم اطلاق کرده‌اند.

جدول ۱. صیغه‌های حال (اخباری و التزامی) و آینده اخباری فعل «رفتن»

	حال اخباری		آینده اخباری		حال التزامی	
	ایبانه‌ای	طره‌ای	ایبانه‌ای	طره‌ای	ایبانه‌ای	طره‌ای
م ^۱	e-š-ɔn(i)	ä-š-ön	b-e-š-ɔn(i)	b-ä-š-ön	ba-š-ɔn(i)	ba-š-ön
م ^۲	e-š-e	ä-š-e	b-e-š-e	b-ä-š-e	ba-š-e	ba-š-e
م ^۳	e-š-e	ä-š-e	b-e-š-e	b-ä-š-e	ba-š-e	ba-š-e
م ^۳ مؤ	---	ä-š-e-a	---	b-ä-š-e-a	---	ba-š-e-a
ج ^۱	e-š-iman	ä-š-iman	b-e-š-iman	b-ä-š-iman	ba-š-iman	ba-š-iman
ج ^۲	e-š-iya	ä-š-iya	b-e-š-iya	b-ä-š-iya	ba-š-iya	ba-š-iya
ج ^۳	e-š-anda	ä-š-anda	b-e-š-anda	b-ä-š-anda	ba-š-anda	ba-š-anda

تمایز آینده از حال التزامی در فعل «آمدن» که دو ستاک حال دارد (/tt-/ و /h-/)، در جدول ۲ به خوبی مشخص است:

جدول ۲. صیغه سوم شخص مفرد حال (اخباری و التزامی) و آینده اخباری «آمدن»

حال اخباری		آینده اخباری		حال التزامی	
ایبانه‌ای	طره‌ای	ایبانه‌ای	طره‌ای	ایبانه‌ای	طره‌ای
e-tt-e	ä-tt-e(-a)	b-e-tt-e	b-ä-tt-e(-a)	ba-h-e	ba-h-e(-a)

نکته‌ای که در آثار قبلی به آن اشاره‌ای نشده، این است که تفاوت مورد اشاره بین ساخت آینده اخباری و حال اخباری فقط در صورت مثبت افعال ساده (بسیط) دیده می‌شود. ولی در صورت منفی افعال ساده و نیز صورت مثبت و منفی افعال پیشوندی، با جانشین شدن وند منفی ساز /n(a)-/ و یا پیشوند اشتقاقی فعلی با وند نمود کامل، تمایز بین آینده و حال از بین می‌رود. براین اساس، ساخت آینده تصریفی ساختی ناقص است یعنی همه صیغگان آن کاربرد ندارد. جدول‌های ۳ تا ۵ این مطلب را نشان می‌دهد:

جدول ۳. صورت منفی حال (اخباری و التزامی) و آینده اخباری فعل ساده «رفتن»

فارسی	طره‌ای	ایبانه‌ای
نمی‌روم/ نخواهم رفت	n-ä-š-ön	n-e-š-on(i)
نروم (التزامی)	na-š-ön	na-š-on(i)

جدول ۴. صورت مثبت و منفی حال (اخباری و التزامی) و آینده اخباری فعل پیشوندی «خواندن»

فارسی	طره‌ای	ایبانه‌ای
می‌خوانیم/ خواهیم خواند	or-ä-xun-iman	or-e-xun-iman(i)
نمی‌خوانیم/ نخواهیم خواند	or-n-ä-xun-iman	or-n-e-xun-iman(i)
بخوانیم	or-xun-iman	or-xun-iman(i)
نخوانیم	or-na-xun-iman	or-na-xun-iman(i)

جدول ۵. صورت مثبت و منفی حال (اخباری و التزامی) و آینده اخباری فعل پیشوندی «برگشتن»

فارسی	طره‌ای	ایبانه‌ای
برمی‌گردد/ برخواهد گشت	v-ä-gel-e (<*va-ä-gel-e)	v-e-gell-e (<*va-e-gell-e)
برنمی‌گردد/ برنخواهد گشت	va-n-ä-gel-e	va-n-e-gell-e
برگردد	va-gel-e	va-gell-e
برنگردد	va-na-gel-e	va-na-gell-e

یارشاطر (۱۹۸۳) و لکوک (۱۹۷۴: ۵۵ و ۵۷؛ ۲۰۰۲: ۱۷۱) این ساخت را از نظر معنایی «آینده نزدیک»^۱ نامیده‌اند و آن را از ساخت آینده ترکیبی‌ای که به آن «آینده دور»^۲ اطلاق کرده‌اند، متمایز ساخته‌اند. اگرچه نکته مطرح شده توسط این دو محقق درست است، به نظر می‌رسد صرفاً دوری و نزدیکی عمل مطرح نباشد، بلکه قطعیت و حتمی بودن نیز دخیل است، به این معنی که برای رویدادهای قطعی و حتمی‌تر و با

1) proximate future/ future rapproché

2) distant future/ future éloigné périphrastique

زمان مشخص‌تر، از آینده تصریفی (آینده نزدیک)، و برای رویدادهای احتمالی و غیرمشخص‌تر، از آینده ترکیبی (آینده دور) استفاده می‌شود. جمله‌های زیر کاربرد این ساخت را نشان می‌دهند (جملات ۱ تا ۵ از ایبانه‌ای و ۶ تا ۸ از طره‌ای است):^۱
 ایبانه‌ای:

1. küyo e-š-e ? kahe b-e-tt-e ?
 ۲م-رو-ناقص کجا کی ۲م-آی-ناقص-کامل
 کجا [داری] می‌روی؟ کی می‌آیی (= خواهی آمد)؟
2. nen-a pür b-e-zen-e
 مؤنث-این پسر ۳م-زای-ناقص-کامل
 این پسر می‌زاید (= خواهد زاید).
3. az ta b-e-xəz-ən
 تو(غیرفاعلی) من(فاعلی) ۱م-گیر-ناقص-کامل
 من تو را می‌گیرم (= با تو ازدواج خواهم کرد).^۲
4. agar ba-vin-anda man b-e-köš-anda
 اگر ۳ج-بین-کامل (من(غیرفاعلی)) ۳ج-کُش-ناقص-کامل
 اگر ببینند، من را می‌کشند (= خواهند کشت).
5. ma-vram zü v-e-gell-ən
 ۱م-گری-نهی زود ۱م-گرد-ناقص-وند فعلی
 گریه نکن، زود برمی‌گردم.

(۱) توضیحات میان‌سطری اختصاری به‌کاررفته در این مقاله به این شرح است: کامل (= پیشوند نمود کامل)، ناقص (= پیشوند نمود ناقص)، پی (= پی‌بست ضمیری)، وند فعلی (= پیشوند فعلی اشتقاقی)، م (مفرد)، ج (جمع)، واج‌های داخل قلاب [] همه میانجی هستند و به همین دلیل توضیح ندارند.

(۲) فعل /xəšt-an/ «خواستن» در گویش‌های مرکزی و بسیاری از دیگر گویش‌ها، به معنی «زن گرفتن، ازدواج کردن» است.

طره‌ای:

6. b-ä-š-e nun ba-hrin-e ?
 ۲م-رو-ناقص-کامل نان
 می‌روی (= خواهی رفت) نان بخری؟

7. žan=öm čand-a vāče=m biro b-ä-zōyn-e-[?]a
 مؤنث-۳م-زای-ناقص-کامل برای پی‌ام(برای)=بچه(جمع) جمع-چند پی‌ام(ملکی)=زن
 زنم چند بچه برایم می‌زاید (= خواهد زاید).

8. agar gi=d bi=šun b-ä-hrin-iman
 ۱ج-خر-ناقص-کامل پی‌۳(ازی)=از پی‌۲م(فاعلی)=خواه اگر
 اگر بنخواهی، ازشان می‌خریم (= خواهیم خرید).

اگر مفعول مستقیم به صورت ضمیر پی‌بستی بیاید، بین دو وند نمود کامل و ناقص قرار می‌گیرد. جملات ۹ و ۱۰ از ابیانه‌ای و ۱۱ و ۱۲ از طره‌ای است:

ابیانه‌ای:

9. agar rošt na-voj-e inda ba=d-e-xar-ön
 ۱م-خور-ناقص-پی‌۲م(مفعولی)=کامل اینجا ۲م-گوی-نفی راست اگر
 اگر راست نگویی، اینجا می‌خورم (= تو را خواهم خورد).

10. hämä kö ba-š-iman nüya šoh ba=mi-[y]e-köš-e
 ۳م-کُش-ناقص-پی‌۱ج(مفعولی)=کامل شاه آنجا ۱ج-رو-کامل که ما
 ما که برویم آنجا، شاه می‌کُشدمان (= ما را خواهد کُشت).

طره‌ای:

11. hayo ba=y-ä-vin-ön=ö
 نشانه تأکید=۱م-بین-ناقص-پی‌۳م(مفعولی)=کامل فردا
 فردا می‌بینمش‌ها!

12. guje ba-šun-ä-hruš-ön=ö žan b-ä-xoz-ön
 م۱-گیر-ناقص-کامل زن و=م۱-فروش-ناقص-پی۳ج (مفعولی)=کامل گوساله (جمع)
 گوساله‌ها را می‌فروشمشان (= خواهشان فروخت) و زن می‌گیرم (= خواهم گرفت).

۲.۲. ساخت آینده ترکیبی

این ساخت که یارشاطر (۱۹۸۳) و لُکوک (۱۹۷۴ و ۲۰۰۲) آن را «آینده دور» نامیده‌اند و در تعدادی از دیگر گویش‌های منطقه نطنز و کاشان نیز مشاهده می‌شود، با ترکیب ستاک حال فعل کمکی /köm-/ (بازمانده مصدر «کامستن» در فارسی قدیم) و مصدر مرخم (که همان ستاک گذشته فعل اصلی است) شکل می‌گیرد. تفاوت این ساخت در دو گویش مذکور به شناسه‌های آنها مربوط می‌شود. در طره‌ای تماماً همان شناسه‌های اصلی و معمول، در ساخت آینده نیز کاربرد دارند و از این نظر فرقی با دیگر ساخت‌های فعلی نیست. ولی در ایبانه‌ای شناسه‌های آینده ترکیبی، در واقع تلفیقی از شناسه‌های اصلی و ضمائر واژه‌بستی (که در ساخت گذشته متعدی معروف به کُنایی، نقش شناسه را ایفا می‌کنند) هستند. به این صورت که شناسه سوم‌شخص جمع و به‌تعبیری، شناسه‌های دوم و سوم‌شخص مفرد، همان شناسه‌های اصلی گویش ایبانه‌ای‌اند، ولی در دیگر صیغه‌ها، از ضمائر واژه‌بستی (البته گونه‌ای از آنها) به‌عنوان شناسه استفاده می‌شود.

جدول ۶. شناسه‌های فعلی ایبانه‌ای و طره‌ای

	شناسه‌های فعلی		ضمایر واژه‌بستی		شناسه‌های خاص آینده ترکیبی	
	ایبانه‌ای	طره‌ای	ایبانه‌ای	طره‌ای	ایبانه‌ای	طره‌ای
م۱	-on(i)	-ön	=öm	=öm	-öm	-ön
م۲	-e	-e	=öd	=öd	-ö (<-e)	-e
م۳	-e	-e	=i/=y/š=	=i/=y	-ö (<-e)	-e
م۳ مؤ	---	-e[?]a	---	---	---	-e[?]a
ج۱	-iman(i)	-iman	=mi	=mun	-ömi	-iman/-iyam
ج۲	-iya	-iya	=yi	=dun	-öyi	-iya
ج۳	-anda	-anda	=š(i)	=šun	-anda	-anda

ذکر سه نکته درباره شناسه‌های معرفی‌شده در جدول ۶ لازم است. اول اینکه شناسه‌های دوم و سوم شخص مفرد آینده ابیان‌ای، ظاهراً قرینه گردشده شناسه‌های اصلی‌اند (احتمالاً نتیجه هماهنگی واکه‌ای پیشرو).^۱ دیگر اینکه در طره‌ای، شناسه اول شخص جمع دو صورت دارد. تکواژگونه دوم یعنی /-iyam/ که قدیمی‌تر است و کاربرد کمتری هم دارد، باعث حذف همخوان پایانی فعل کمکی (یعنی /m/) می‌شود.^۲ سوم اینکه ممکن است این سوال مطرح شود که چرا در ابیان‌ای با توجه به استفاده از ضمائر واژه‌بستی در سه صیغه در نقش فاعلی، آنها شناسه نامیده شده‌اند. دلیل این است که برخلاف دیگر مواضع مانند ساخت‌های گذشته متعدی (کنایی) که ضمائر واژه‌بستی فاعلی از فعل جدا و به عناصر پیش از فعل متصل می‌شوند، در این ساخت تغییر مکان نمی‌دهند و کماکان پس از ستاک فعل کمکی باقی می‌مانند (نک: جمله ۱۴). جدول ۷ صرف آینده فعل «خوردن» با ستاک گذشته (مصدر مرخم) /-xä(rd)/ را نشان می‌دهد.

جدول ۷. آینده ترکیبی فعل «خوردن»

فارسی	طره‌ای	ابیان‌ای
خواهم خورد	köm-ön xä	köm-öm xä
خواهی خورد	köm-e xä	köm-ö xä
خواهد خورد	köm-e xä	köm-ö xä
خواهد خورد (مؤنث)	köm-e[?]a xä	-----
خواهیم خورد	köm-iman xä	köm-ömi xä
خواهید خورد	köm-iya xä	köm-öyi xä
خواهند خورد	köm-anda xä	köm-anda xä

اگر فعل اصلی پیشوندی باشد، پیشوند اشتقاقی فعل، قبل از فعل کمکی قرار می‌گیرد. در جدول ۸ تمایز این ساخت با گذشته ساده نشان داده شده است.

1) [*köm-e] > [kömö]

2) [*köm-iyam] > [kö?iyam]

جدول ۸. گذشته ساده و آینده ترکیبی افعال پیشوندی «نشستن»^۱ و «برگشتن»

فارسی	طره‌ای	ایبانه‌ای
نشستند	ho-čäšt-anda	ho-čäšt-anda
خواهند نشست	ho-köm-anda čäšt	ho-köm-anda čäšt
برگشتیم	va-gelo-[?]iman	va-gello-[?]iman
برخواهیم گشت	va-köm-iman gelo/ va-kö-[?]iyam gelo	va-köm-ömi gello

در جملات زیر (۱۳ و ۱۴ از ایبانه‌ای، ۱۵ و ۱۶ از طره‌ای) کاربرد این ساخت نشان

داده شده است:

ایبانه‌ای:

13. az äbi pir ba-vd-ä-[?]on=ö b-e-mer-on
 ام-میر-ناقص-کامل و ام-صفت مفعولی ساز-شد-کامل پیر دیگر من (فاعلی)

na-köm-öm bö kö kanor ta dar b-on
 ام-باش در تو (غیرفاعلی) کنار که بود پی ام (فاعلی)-خواه-نفی
 من دیگر پیر شده‌ام و می‌میرم (=خواهم مرد)، نخواهم بود که در کنار تو باشم.

14. bozam=ji vävr-a ba-h-e agarnä ov na-köm-ömi dä
 داشت پی اج (فاعلی) خواه-نفی آب اگر نه ام-آی-کامل مؤنث-برف هم-بازهم
 [ان‌شاء‌الله] بازهم برف بیاید، وگرنه [امسال] آب نخواهیم داشت.

طره‌ای:

15. alon bi=d ho-n-ä-gir-ön vali i mmə bi bi=d
 پی ام=از دیگر ماه^۲ یک ولی ام-گیر-ناقص-نفی-وندفعلی پی ام=از الان

ho-köm-ön girä=[?]ö

نشانه تأکید=گرفت-ام-خواه-وندفعلی

(۱) فعل «نشستن» در غالب گویش‌های مرکزی فعلی پیشوندی محسوب می‌شود.

(۲) همخوان اول واژه [mɔ] «ماه»، بعد از عدد «یک» مشدد می‌شود.

الان ازت (= از تو) نمی‌گیرم ولی یک ماه دیگر ازت خواهم گرفت‌ها!

16. na=m-zun-ɔ čiči bi=y-ɔj-ön čun zun-ɔ=[?]am
 گذشته‌ساز-دان پی ام چه ام-گو-پی-م=به چون ام(فاعلی)-گذشته‌ساز-دان
 (فاعلی)-نفی

härči bi=y-ɔj-ön na-köm-e-[?]a zun-ɔ kö jövov man
 هرچه ام-گو-پی-م=به مؤنث-خواه-نفی گذشته‌ساز-دان مؤنث-۳-خواه-نفی که جواب من
 hä-d-e-[?]a äškeje
 مؤنث-ده-وند فعلی زرشک

نمی‌دانستم چی بهش بگویم، چون می‌دانستم هرچی بهش بگویم او نخواهد دانست که جواب من را بدهد زرشک (= در جواب من بگوید زرشک).

در طره‌ای اگر مفعول مستقیم به صورت ضمیر واژه‌بستی بیاید، به آخر فعل کمکی وصل می‌شود (مانند دو جمله ۱۷ و ۱۸). این امکان در ایبانه‌ای نیست و مفعول مستقیم به صورت ضمیر شخصی آزاد به کار می‌رود:

17. köm-ön=i di خواهش دید (= او را خواهم دید).
 18. köm-ön=šun di خواهششان دید (= آنها را خواهم دید).

۱.۲.۲. آینده ترکیبی «خواستن» و «دوست داشتن»

همان‌طور که قبلاً گفته شد، شناسه‌های ساخت آینده ترکیبی در دو گویش ایبانه‌ای و طره‌ای متفاوت است. در طره‌ای صرفاً از شناسه‌های فعلی استفاده می‌شود، ولی در ایبانه‌ای تلفیقی از شناسه‌ها و ضمائر واژه‌بستی برای نشان دادن فاعل کاربرد دارند. اما این تفاوت در دو فعل «خواستن» (با ستاک حال و گذشته /gi-، /ge-، و /go-) و «دوست داشتن» (با ستاک حال و گذشته /vesse- و /vesso-) از بین می‌رود و هر دو فعل در هر دو گویش، صرفاً با ضمائر پی‌بستی صرف می‌شوند. وضعیت متفاوت ساخت آینده ترکیبی این دو فعل قطعاً با وضعیت متفاوت ساخت حال آنها در ارتباط است، چرا که دو فعل مذکور در زمان‌های حال (اخباری و التزامی) نیز ساخت کُنایی

دارند و به‌جای شناسه با ضمائر واژه‌بستی صرف می‌شوند. صیغگان آینده ترکیبی و همچنین حال اخباری این دو فعل در جدول‌های زیر آمده است:

جدول ۹. آینده ترکیبی «خواستن»

فارسی	طره‌ای	ایبانه‌ای
خواهم خواست	köm=em ɔ	köm=öm ɔ
خواهی خواست	köm=ed ɔ	köm=öd ɔ
خواهد خواست	köm=ey ɔ	köm=öy ɔ
خواهیم خواست	köm=emun ɔ	köm=ömi ɔ
خواهید خواست	köm=edun ɔ	köm=öyi ɔ
خواهند خواست	köm=ešun ɔ	köm=öš ɔ

جدول ۱۰. آینده ترکیبی «دوست داشتن»

فارسی	طره‌ای	ایبانه‌ای
دوست خواهم داشت	köm=em vessə	köm=öm vessə
دوست خواهی داشت	köm=ed vessə	köm=öd vessə
دوست خواهد داشت	köm=ey vessə	köm=öy vessə
دوست خواهیم داشت	köm=emun vessə	köm=ömi vessə
دوست خواهید داشت	köm=edun vessə	köm=öyi vessə
دوست خواهند داشت	köm=ešun vessə	köm=öš vessə

جدول ۱۱. حال اخباری «خواستن» و «دوست داشتن»

فارسی	طره‌ای	ایبانه‌ای
می‌خواهم / دوست دارم	ä=m-gi/ ä=m-vesse	m=e-ge/ m=e-vesse
می‌خواهی / دوست داری	ä=d-gi/ ä=d-vesse	y=e-ge/ y=e-vesse
می‌خواهد / دوست دارد	ä=y-gi/ ä=y-vesse	š=e-ge/ š=e-vesse
می‌خواهیم / دوست داریم	ä=mun-gi/ ä=mun-vesse	mi=[y]e-ge/ mi=[y]e-vesse
می‌خواهید / دوست دارید	ä=dun-gi/ ä=dun-vesse	yi=[y]e-ge/ yi=[y]e-vesse
می‌خواهند / دوست دارند	ä=šun-gi/ ä=šun-vesse	ši=[y]e-ge/ ši=[y]e-vesse

در صورت وجود عنصری چون وند نفی و یا مفعول مستقیم، ضمائر پی‌بستی به آنها وصل می‌شوند:

جدول ۱۲. صورت منفی آینده ترکیبی «خواستن» و «دوست داشتن»

فارسی	طره‌ای	ایبانه‌ای
نخواهند خواست	na=šun köme go	na=š kömö go
دوست نخواهند داشت	na=šun köme vesso	na=š kömö vesso

مثال‌های زیر کاربرد این دو فعل را در جمله نشان می‌دهد (جملات ۱۹ و ۲۰ از ایبانه‌ای و ۲۱ از طره‌ای است):

ایبانه‌ای:

19. köm=öš g-o ba-š-anda zü b-ur-iš-a
 ۲-آینده-آی-کامل ۳ج-رو-کامل زود ۳ج(فاعلی)=خواه
 [فردا] می‌خواهند بروند، زود بیا (= خواهند خواست بروند، آن موقع زود بیا).

20. nen gazo=[?]e=mi kö va-häšt-ä yöra
 این ۳ج(فاعلی)=تخصیص که گذاشت-وند فعلی آیا
 نکره = غذا

b-e-xar-anda nen=ši kömö vess-o
 گذشته‌ساز-دوست‌دارخواه پی‌۳ج(فاعلی)=این ۳ج-خور-ناقص-کامل
 این غذایی را که [برایشان] گذاشته‌ایم، آیا می‌خورند (= خواهند خورد)، این را دوست خواهند داشت؟

طره‌ای:

21. bar=dun kö ord köm=em g-o
 گذشته‌ساز-خواه پی‌۱م(فاعلی)=خواه که آورد ۲ج(فاعلی)=بیرون
 بیرون که آوردید، می‌خواهم/خواهم خواست (= وقتی محصول را به‌دست آوردید، آن موقع می‌خواهم).

۳. دیگر کاربردهای ساخت آینده

این دو ساخت، علاوه بر کاربرد اصلی برای بیان آینده، کاربرد دیگری نیز دارند و آن «حال روایی» یا «حال تاریخی» است، یعنی در نقل داستان‌ها و اتفاقات، برای محسوس‌تر کردن وقایع به جای زمان گذشته می‌آیند، مانند مثال ۲۲ از ایبانه‌ای:

22. b-e-š-e e zamin b-e-hrin-e=[ʔ]ö b-e-səʃ-e=[ʔ]ö
 و=م^۳-ساز-ناقص-کامل و=م^۳-خر-ناقص-کامل زمین یک(مذکر) م^۳-رو-ناقص-کامل

döborä b-e-vin-e pül=i taʔum ba-bö
 شد-کامل م^۳-بین-ناقص-کامل پول م^۳(ملکی)=پول تمام
 ... می‌رود (= رفت) یک زمین می‌خرد (= خرید) و می‌سازد (= ساخت) و، دوباره می‌بیند (= دید)
 پولش تمام شد.

دو نکته قابل توجه در مورد این کاربرد آینده وجود دارد: اول این که در هر دو گویش پیشوند نمود کامل /ba-/ گاهی با جدا شدن از فعل و قرار گرفتن قبل از حرف ربط /kö/ «که»، خود به تنهایی معنی «وقتی که» یا «به محض اینکه» را می‌رساند (مانند مثال ۲۳ از ایبانه‌ای). مورد دوم این است که در صورت وجود دو یا چندین فعل متوالی در جمله، ظاهراً دو امکان وجود دارد: یا افعال همگی آینده تصریفی باشند (مانند جمله ۲۲)، یا ترکیبی از هر دو نوع ساخت آینده تصریفی و ترکیبی باشند، که در این وضعیت، صورت یا صورت‌های تصریفی قبل از صورت ترکیبی قرار می‌گیرد و نه برعکس (مانند مثال ۲۳ از ایبانه‌ای و ۲۴ از طره‌ای).

ایبانه‌ای:

23. ba' kö e-tt-e inda nezankö köm=öy go mex
 کامل که م^۳-آی-ناقص اینجا به محض اینکه خواست پی م^۳(فاعلی)=خواه میخ
 dar-peš-e kö
 م^۳-کوب-وند فعلی که

1) *växd=e kö b-e-tt-e > ba kö ette

... وقتی که می‌آید اینجا، می‌خواهد میخ را بکوبد که... (= وقتی که آمد اینجا، خواست (تحت‌اللفظ: خواهد خواست) میخ را بکوبد که...)

طره‌ای:

24. baʔd=a nen kö gahti-[y]a b-ä-viyer-e nöma viyunč-a hey
 هی جمع-ایبانه‌ای اینها ۳م-گذر-ناقص-کامل مؤنث-قحطی بعداز اینکه

köm-anda ammä hosel ba-bar-anda
 ۳ج-بر-کامل حاصل آمد ۳ج-خواه

بعداز اینکه قحطی می‌گذرد (= گذشت)، این ایبانه‌ای‌ها هی می‌آیند (آمدند؛ تحت‌اللفظ: خواهند آمد) حاصل [شان را] ببرند.

امکان سوم یعنی اینکه همهٔ افعال به‌صورت آیندهٔ ترکیبی بیایند، در طره‌ای دیده می‌شود (مانند مثال ۲۵)، ولی نکتهٔ قابل توجه در این مورد این است که دیگر معنی حال روایی از آن استنباط نمی‌شود بلکه اصلاً معنی گذشته دارد:

25. ya dodo köm-e dä xoy dodo=y var yo
 همدیگر پهلوی پی ۳م(ملکی)=خواهر با داشت ۳م-خواه خواهر یک(مؤنث)

zendegi-[y]a köm-anda kä dodo=[ʔ]e=ji xöšgel-a köm-e-[ʔ]a bö

بود مؤنث-۳م-خواه مؤنث-خوشگل نیز=معرفه=خواهر کرد ۳ج-خواه مؤنث-زندگی
 [نیازقلی] یک خواهر داشت (لفظاً: خواهد داشت)، با خواهرش پهلوی هم زندگی می‌کردند (لفظاً: زندگی خواهند کرد)، خواهره (معرفه) هم خوشگل بود (لفظاً: خواهد بود).

موضوع دیگر این که وقوع آیندهٔ ترکیبی در معنای حال روایی، در طره‌ای بیشتر از ایبانه‌ای است. در داده‌های نگارنده از گویش ایبانه‌ای فقط یک مورد (مثال ۲۳) از این کاربرد دیده شد. در متن‌های ایبانه‌ای لُکوک (۲۰۰۲) نیز فقط پنج مثال^۱ از این دست وجود دارد، در صورتی که آیندهٔ تصریفی در این معنی و کاربرد به‌فراوانی دیده می‌شود.

(۱) اثر لُکوک (۲۰۰۲) علاوه بر دستور زبان و واژه‌نامه، شامل ۲۵ متن است که از پنج گویشور به‌دست آمده است. هر پنج مثال مورد

۴. نتیجه‌گیری

یکی از ویژگی‌های اکثر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو غربی، داشتن نظام دوشقی زمان گذشته و غیرگذشته است، به این معنا که ساخت خاص و جداگانه‌ای برای بیان مفهوم آینده ندارند و زمان دستوری حال، برای نشان دادن آینده استفاده می‌شود. در این مقاله که نتیجه تحقیقی میدانی است، وضعیت زمان دستوری آینده در دو گویش ایبانه‌ای و طره‌ای متعلق به گویش‌های فلات مرکزی ایران مورد بررسی قرار گرفت. اشاره شد که از جمله ویژگی‌های صرفی مهم و قابل توجه دو گویش مذکور این است که نه تنها دارای زمان دستوری مستقلی برای آینده هستند، بلکه دو ساخت متفاوت را برای زمان آینده صورت‌بندی کرده‌اند. اولی که ساختی تصریفی با استفاده از وندافزایی است، با اضافه شدن پیشوند نمود کامل «بـ» به صورت‌های حال اخباری (استمراری) شکل می‌گیرد و مشابه یا قرینه‌ای در فارسی معیار ندارد. مورد دیگر که از نظر ساختار با فارسی شباهت دارد، کاربرد ساخت ترکیبی با استفاده از فعل کمکی «کامستن» است. این دو ساخت هر یک معنای خاصی از آینده را القاء می‌کنند، به این صورت که ساخت تصریفی برای بیان آینده نزدیک و ساخت ترکیبی برای بیان آینده دور به کار می‌روند. همچنین استفاده و کاربرد این دو ساخت آینده (تصریفی و ترکیبی) در معنای حال روایی یا تاریخی از دیگر موضوعات مطرح شده و قابل توجه است. باید اضافه کرد که وجود ساخت آینده اخباری تصریفی را می‌توان نشانگر این موضوع دانست که دو گویش مذکور در مقایسه با فارسی نو، از نظر رده‌شناسی صرفی، پیوندی ترند. از آنجایی که چنین ساختی یا مشابه با آن ظاهراً در پیشینه زبان‌های ایرانی غربی دیده نمی‌شود،

→

اشاره صرفاً در داستان‌های یکی از این گویشوران (با نام احمد امینی) دیده می‌شود. این داستان‌ها (شماره ۱ تا ۱۶) بیشترین حجم متون ایبانه‌ای را در بر می‌گیرد. در پرس‌وجوی نگارنده از سالمندان ایبانه و حتی طره، هیچ کدام این اسم را نشنیده بودند و کسی را با این اسم نمی‌شناختند. در هر حال ویژگی‌های گویشی این ۱۶ داستان، در مواردی نزدیک و شبیه به گویش طره‌ای است. احتمالاً این شخص اهل محله پایین ایبانه بوده است که به علت نزدیک‌تر بودن به طره، گویشی نزدیک به طره‌ای دارد. تفاوت‌هایی جزئی بین گویش محلات بالا و پایین ایبانه (و نیز طره) مشاهده می‌شود. دلیل دیگری که در تأیید این حدس وجود دارد این است که گویشور ایبانه‌ای مورد اشاره، صیغه‌های دوم شخص جمع امری‌ای را به کار برده است که خاص گویش طره‌ای است. توضیح این که شناسه امر دوم شخص جمع در ایبانه‌ای [i-ya] ولی در طره‌ای [a-ya] است.

وجود ساخت مذکور را در این دو گویش می‌توان نتیجه نوآوری زبانی دانست. این مطلب نقش نوآوری را به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در تحولات زبانی نشان می‌دهد.

منابع

- اشرفی خوانساری، مرتضی، ۱۳۸۳، گویش خوانساری، تهران.
دبیرمقدم، محمد، ۱۳۹۲، رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، تهران.
غفارثمر، رضا و یزدان‌مهر، الهام، ۱۳۹۱، «تحلیل گونه‌های واژگانی- نحوی بیان آینده در زبان فارسی زیر تأثیر عوامل اجتماعی»، *زبان و زبان‌شناسی*، س ۸، ش ۲، پیاپی ۱۶، ص ۹۵-۱۱۴.
غلامی، محبوبه، ۱۳۸۹، «نشان‌داری رده‌شناختی در زبان فارسی»، *مجله دستور*، پیاپی ۶، ص ۲۰۸-۲۳۶.
ویندفور، گرنوت، ل.، ۱۳۸۳، «ایرانی نوی غربی»، *راهنمای زبان‌های ایرانی جلد دوم: زبان‌های ایرانی نو*، ترجمه فارسی زیر نظر حسن رضائی باغبیدی، تهران، ص ۴۱۷-۴۳۵.
GREENBERG, J. H., 1966, *Language Universals with Special Reference to Feature Hierarchies*, The Hague.
HASPELMATH, M. and SIMS, A., 2010, *Understanding Morphology*, London.
KATAMBA, F. and STONHAM, J., 2006, *Morphology*, New York.
KRALINKE, K. J., 1976, *Linguistic Relationships in Central Iran*, Ph.D. Dissertation, University of Michigan.
LECOQ, P., 1974, "Le dialecte d'Abyāne", *Studia Iranica* 3, pp. 51-63.
———, 2002, *Recherches sur les dialectes Kermaniens (Iran Central)*, *Acta Iranica* 39, Leuven.
WINDFUHR, G., 1992, "Central Dialects", *Encyclopædia Iranica* V, New York, pp. 242-252.
YARSHATER, E., 1983, "Abyāna'ī", *Encyclopædia Iranica* I, New York, pp. 404-405.